

## جایگاه هیأت منصفه در رویه قضایی ج.ا. ایران

هیأت منصفه در ایران، حتی در مرحله قانون‌گذاری از ابتداء ناقص‌الخلقه متولد شد و با این که این نهاد، در شکل نهادینه آن در انگلستان - که محل تکون آن بود - اختصاص به رسیدگی به جرم خاصی نداشت، قانون‌گذار ایران، آن را از بلژیک اقتباس کرد که به جرائم سیاسی و مطبوعاتی اختصاص داده بود!

این اختصاص در ماده 79 متمم قانون اساسی مشروطه، خود را نشان داد و در اصل 168 قانون اساسی ج.ا. ایران نیز ظاهر شد.

رأی هیأت منصفه، رأی مشورتی تلقی شد با این که - حداقل - در خیلی از کشورها رأی آن قضایی، مولوی و امری است. بانیان این نهاد در شکل مدرن آن قید کرده‌اند که اعضای هیأت منصفه را نهادهای وابسته به حکومت تعیین نکنند حتی اعضا، اطلاعات حقوقی زیادی نداشته باشند تا با ذهن بکر به اظهار رأی پردازند و ... و این در حالی است که در قانون ج.ا. ایران خلاف این امور را ملاحظه نمودید!

لکن - چنان که ملاحظه نمودید - در همین حد هم در رویه‌های قضایی ایران پیاده نشده است و با این که نمی‌توان گزارش از نبود مطلق هیأت منصفه در دادگاه‌ها داد، در این ارتباط گزارش‌های رضایت‌بخشی هم وجود ندارد؛ به عنوان مثال: در مثل انگلستان، حضور در دادگاه، نشان‌دهنده تعهد اجتماعی فرد است که نسبت به رسیدگی عادلانه - هرچند نامرتب با او - دغدغه دارد؛ در حالی که در کشور ما عضویت در هیأت منصفه نماد چنین ارزشی نیست؛ به همین جهت بسیار اتفاق می‌افتد که دادگاه با حضور مقامات قضایی، وجود پرونده و متهم تشکیل می‌شود و حضور اعضای هیأت منصفه به حد نصاب نمی‌رسد!

## کشاندن جرم سیاسی در ذیل جرم امنیتی و برگزاری دادگاه بدون حضور هیأت منصفه

از اتفاقات نقل‌شده از موثّقین مطلع این است که به دلیل عدم لزوم حضور هیأت منصفه نسبت به جرائم امنیتی به حسب قانون و عدم مرز دقیق بین این سنخ از جرائم با جرائم سیاسی، گاه مصداقی از جرم سیاسی عنوان جرم امنیتی به آن داده می‌شود و دادگاه متهم مفروض، بدون حضور هیأت منصفه برگزار می‌گردد. واضح است که هرگاه جرم سیاسی وجهی برای امنیتی‌انگاری آن باشد، بسیاری از قضات، خود را معطل سیاسی‌انگاری و رسیدگی به آن از طریق هیأت منصفه نخواهند کرد.

شنیدنی این که در اواخر شهریور ماه 1399 در اخبار و گزارش‌ها آمده بود که دادستان تهران گفت:

برای نخستین بار، دو پرونده با پنج متهم در دادگاه کیفری تهران بر اساس قانون جرم سیاسی رسیدگی خواهد شد. در همین ایام مطرح شد که رئیس قوه قضاییه بر تفکیک جرائم سیاسی از جرائم امنیتی اصرار دارد و ...

## هیأت منصفه در تراث دینی

هیچ نباید تردید کرد که هیأت منصفه، به هر نام که خوانده شود و به هر شکل که تشکیل گردد، به قصد تحکیم بیشتر پایه‌های عدالت، شفافیت و پیش‌گیری از خطای قاضی است. از این رو است که مثل قضاوت جمعی و شورایی، تشکیل پرونده شخصیت، حضور هیأت منصفه، قضاوت در مرآی و مسمع عموم، همه در یک راستا تعریف می‌شود؛ هرچند ممکن است - بلکه باید - بین این امور تفاوت‌هایی هم گذاشته شود.<sup>1</sup>

به همین دلیل در میراث دینی گفته شده: از آداب قضا به اعتقاد اکثر اصحاب «الجلوس للقضاء فی موضع بارز للناس» است. این آداب قضایی هرچند تعلیل شده به «لتسهیل الوصول الیه و ان لا تهابه الناس»<sup>2</sup> لکن تعلیل بهتر را می‌توان تأمین امنیت قضایی بیشتر، شفافیت رأی قضایی و احساس عدالت از سوی مردم دانست.

در همین راستا این متن خالد را از امام علی - علیه السلام - در نامه به جناب مالک داریم:

«و ان ظننت الرعیة بک حیفاً فأصحر لهم بعدرک و اعدیل عنک ظنونهم باصحرارک؛ فان فی ذلک ریاضةً منک لنفسک و رفقاُ برعیّتک و اعداراً تبلغ به حاجتک من تقویمهم علی الحق».<sup>3</sup>

در آداب قضا نیز گفته شده: «احضار اهل العلم لیشهدوا حکم القاضی». توجه کنید:

«و یحضر من اهل العلم من یشهد حکمه، فان أخطأ ینبّهوه»؛<sup>4</sup> «المراد باهل العلم المجتهدون فی الاحکام الشرعیة لا مطلق العلماء و لیس المراد ان یقلّدهم فی المسألة - سواء تبین خطأهم ام لا -؛ لما تقرر من ان غیر المجتهد لا ینفذ قضاؤه مطلقاً؛ بل لان القضاء مظنة تشعب الخاطر و تقسّم الفکر و جزئیات الاحکام الواردة علیه بعضها یشتمل علی دقة و صعوبة مدرک فرّبما غفل بواسطة ذلک عن بعض مدارک المسألة فینبّهوه علیه لיעتمد منه ما هو الارجح منه».<sup>5</sup>

1. مثل مشورتی بودن رأی هیأت منصفه و قضایی بودن رأی اکثریت در قضاوت جمعی (بنا بر فرض قبول آن).

2. فقه القضاء، (للسید الاردبیلی)، ج1، ص268.

3. نهج البلاغه (فیض الاسلام)، نامه 53، ص1026؛ همچنین ر.ک: مستدرک الوسائل، ج17، ابواب آداب قاضی، باب 11، ص358، ح3.

4. شرایع الاسلام، ص316.

5. مسالک الافهام، ج13، ص373.